

فرمایند.

رئیس - رأی منی کبریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایان موافقین قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد پیشنهاد آقایان طهرانسی مورد ندارد. اگر آقایان موافق باشند جلسه را ختم میکنیم. اینماده با پیشنهاداتی که قابل توجه شد ارجاع میشود بکمیسیون

(جلسه آتیه روز سه شنبه

۳ ساعت ونیم قبل از ظهر

دستوردهم لایحه ممیزی

(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر

ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - سید

محمدتدین

منشی

ع شهاب

منشی

ع خطیبی

جلسه ۴۴۶

صورت مشروح مجلس

مورخه سه شنبه هفدهم

آذر ماه ۱۳۰۴ مطابق

بیست و یکم جمادی الاول

۱۳۴۴

مجلس دو ساعت و یک ربع قبل

از ظهر بریاست آقای تدین

تشکیل گردید

(صورت مجلس پنجشنبه دوازدهم آذر

ماه را آقای آقا میرزا شهاب قرائت

نمودند)

رئیس - آقای حاج حسن آقای

ملك

(اجازه)

حاج حسن آقای ملك - قبل از دستور

عرض دارم

رئیس - آقای رضوی

(اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب رضوی - بنده

اجازه که خواسته بودم برای قبل از دستور

بود ولی اینجا در صورت مجلس بنده را

غائب بی اجازه نوشته بودند در صورتی که

بنده مریض بودم و کتباً هم اجازه خواسته

بودم.

رئیس - آقای شیروانی

(اجازه)

شیروانی - قبل از دستور عرض

دارم.

رئیس - آقای دکتر آقایان

(اجازه)

دکتر آقایان - قبل از دستور.

رئیس - آقای کاشانی

(اجازه)

مصطفی کاشانی قبل از دستور

رئیس - آقای مدرس

(اجازه)

مدرس - قبل از دستور

رئیس - آقای امامی.

(اجازه)

امامی - قبل از دستور عرض دارم

رئیس - آقای دستغیب

(اجازه)

دستغیب - در خلاصه مذاکرات

اینطور ثبت شده بود که بنده بالفطرح

مخالف بودم در صورتیکه بنده بالفطرح

مخالف نبودم با ترتیب اخذش مخالف بودم

و این لایحه هم که داده شده است تقریباً

طور اصلاح شده است بنده با لفظ جمعی

مخالف نبودم با ترتیب اخذش مخالف

بودم.

رئیس - اصلاح می شود. در صورت

مجلس مخالفی نیست؟

جمعی از نمایندگان - خیر

رئیس - صورت مجلس تصویب شد

آقای حاج حسن آقای ملك.

(اجازه)

حاج حسن آقای ملك - در چندین

جلسه قبل آقای شیروانی نماینده محترم

راجع بکمیسیون عرایض و تقاضاهای

بکمیسیون رسیده است سوالاتی کردند و

اتفاقاً بنده در آن جلسه حضور نداشتم

دکتر آقایان مخبر کمیسیون يك توضیحاتی داده

بودند گویند منع نبوده است.

در جلسه بعد هم آقای شیروانی سوال

کردند و مخصوصاً راجع بقضیه ارباب

بهمن تذکر دادند. یکی دوم تبه هم بنده

استجازه کردم موقع نشد که عرایض را

عرض کنم و حالا که موفق شدم می خواهم

خاطر محترم آقایان تذکر بدهم باینکه

کمیسیون عرایض بطوریکه سابقاً هم عرض

کردم اعضایش يك زحمات فوق العاده را

متحمل هستند و برای متظلمین نتیجه مطلوبی

نداد مخصوصاً در قضیه ارباب بهمن شرح

واقع این است که بطور اجمال عرض می

کنم.

دردهم میزان ۳۰۰ وزارت فوائد

عامه با ارباب بهمن انعقاد کتراتی کرده

است برای راه طهران و انزلی و قزوین و

همدان و قمره تو وزارت پست و تلگراف بهمدان

چندی متعرض بوده است باینکه من از این کترات

مسبق نبودم و باینکه این کترات لغو

شود باینکه چند مرتبه در روزنامه ها اعلان

کرده شده بوده است و نمیشود گفت يك

وزارتخانه از همچو قضیه مهمی مسبوق

نبوده است. بالاخره کترات را لغو می کنند

ارباب بهمن مدعی خسارت می شود و

اسباب زحمت اولیای امور را فراهم

می کند.

بالاخره دولت برای اینکه تا يك

اندازه از ارباب بهمن استمالت کرده باشد

و خساراتش را هم بیک ترتیبی جبران کند که

تقدیم چیزی نبرد ازدمی آید يك کترات  
ثانوی با ارباب منعقد میگردد راجع برام  
طهران و رشت و همدان و قمره تور استثنای میکند  
و قرار می شود ماهی چهار هزار تومان با ارباب  
بهمن بدهند يك سال هم این کترات باین  
کیفیت ادامه داشته است

بعد بدون موجب این کترات را فسخ  
میکند و در واقع ارباب را از هستی ساقط  
می نماید و ارباب بمقامات مربوطه متظلم  
می شود.

وزارت خانه شکایت میکند نتیجه  
نمی بخشند بالاخره مراجعه بمجلس و کمیسیون  
عرایض در این موضوع دقت هائی میکند  
و بالاخره مکاتباتی با وزارت پست و تلگراف  
می نماید.

اولا جوابی نمی که از وزارت پست و  
تلگراف رسید هیچ مربوط  
بقضیه نبوده است. بالاخره وقتی که زیاد  
فشار می آوریم که باید يك جواب اقتناع  
کننده بمتظلم دادبر میدارند مینویسند

که ما جواب منفی بدهید. اولاً وزارت پست  
و تلگراف حق ندارد از برای يك کمیسیون یا  
مجلس شورای ملی تعیین تکلیف میکند  
(جمعی از نمایندگان صحیح است)

بعلاوه چطور میشود يك متظلمی  
که با يك اسناد و مدارك متقنه آمده و به  
مجلس شورای ملی که ناظر اجرای قوانین  
است مراجعه کرده است جواب منفی  
داد.

این بود که کمیسیون برای اینکه  
حقیقت را کاملاً خاطر نشان بکند از وزارت  
پست و تلگراف يك نمایندند خواست و نماینده  
وزارت پست و تلگراف وقتی آمد آنجا و  
سوالاتی از او شد اظهار کرد که حقیقه  
نسبت با ارباب ظلم شده ولی میزان خسارتش  
نه آن اندازه است که خود او متظلم شده و من  
هم نمی توانم این حرف را رسماً بگویم  
و شما من غیر من این حرف را میزان در  
این صورت کمیسیون چه میتواند بکند؟  
و چه اعتراضی بکمیسیون وارد است؟  
جز اینکه اصل قضیه را به عرض آقایان  
برساند.

بنده میتوانم عرض کنم که اطلاعاتم  
بواسطه بودن در کمیسیون عرایض از اغلب  
آقایان زیادتر است آقایان وزراء از باب  
تشبه بکامل میخواهند خودشان را نزدیک  
بکنند و بالاخره وعقیده شان اینست که  
همان اندازه که به آن شخص والا حضرت  
علاقه داریم بآنها هم علاقه داریم.  
ولی این اشتباه کاملی است که کرده  
اند بآن شخص والا حضرت علاقه داریم از  
نقطه نظر خدماتی که کرده اند بنده در چند  
جلسه قبل که راجع به کمیسیون عرایض  
توضیحاتی میدادم عرض کردم که دوسیه  
هائی که از طرف وزارت جنگ بکمیسیون  
عرایض میرسد (این را حمل به تعلق نکنند)

تمام جواب هائی که از آنجا رسیده است  
اقتناع کننده بوده است و دوسیه ها شاهد  
قضیه است به عکس سایر وزارتخانه ها که  
تمام را بظفر و تملک و مسامحه بر گذار  
کرده اند.

بطوری که حضرت ریاست پناهی در  
جلسه گذشته فرمودند که آقایان و کلا يك  
سوالاتی کرده اند و آقایان وزراء برای  
جواب حاضر نمی شوند بنده علتش را میدانم  
جوابی ندارند باینکه در این جا  
بدهند.

فقط چیزی که بنده را امیدوار کرده  
است همان اراده قویه والا حضرت است  
در اصلاح وزارتخانه ها و امیدوارم بعد از  
این يك وجهی نسبت باین موضوع داشته  
باشند که در آتیه ببینیم يك نفر از پست  
زین نیاید در يك وزارت خانه و بدون  
استحقاق يك کارهائی بکنند که برخلاف  
رویه باشد.

رئیس - آقای رضوی  
(اجازه)

رضوی - بنده میخواهم از مقام محترم  
ریاست تقاضا کنم که این قانون ممیزی که  
مطرح است چون در ماده اولش دارد  
(املاک اربابی غیر از خلاصه انتقالی) لایحه  
خالصه انتقالی را بمجلس بیاورند بجهت  
اینکه يك کتاب بزرگی گذاشته اند و از  
روی آن تمام املاک را امش را گذاشته اند  
خالصه انتقالی.

خوبست این مسئله در مجلس مطرح  
شود و معلوم شود خالصه انتقالی کدام است  
مال چند سال قبل است. میزان مالیات آن  
از چه قرار است تا ممیزی عملی شود.  
والا بعقیده بنده این قانون عملی نخواهد  
شد امروز بنده عرض میکنم و چهار روز  
دیگر معلوم خواهد شد عرض بنده صحیح  
بوده است یا نه

رئیس - آقای شیروانی  
(اجازه)

شیروانی - بنده باینکه در این ایام  
آخری مجلس خیلی سعی میکنم که اوقات قبل  
از دستورال اشغال بکنم که بلکه چند تا از قوانین  
مهمه از مجلس بگذرد.

لکن بنده همیشه در يك مسائلی که  
باصول برمیخورد بعقیده خودم علاقه مند  
هستم که تعقیب کنم و تصور میکنم اگر  
آقایان دیگر هم ذهنشان متوجه شود  
علاقه مند شوند بنده همیشه معتقدم که  
قوای مملکت دخالت در کارهای همدیگر  
نکنند.

همانطور که معتقد هستم که مقتضی  
نیست مجلس دخالت در امور اجرایی بکند  
معتقد هستم که قوای مجریه هم حق دخالت  
در امور تقنینیه نخواهد داشت.

یکی از قوای سه گانه مملکت هم البته  
آقایان تصدیق می فرمایند قوه قضائیه است  
که از قوای مهمه است قوانینی که مربوطه





ثابتاً تقاضای تجدید رأی میکنند؟  
آقای سید یعقوب بلی  
مخبر- این پیش نهاد در کمیسیون مطرح شد.  
بدیهی است که هر زبانی نسبت به زیاد ترش کم است و هر کمی نسبت به کم ترش زیاد است. این یک اصل کلی است که جای تردید نیست.  
بنده توجه منعم خاطر نماینده محترم را با حضرات آقای قشقائی که فرمودند در قشقائی فعلاً ما ورزین مالیة هر شهری را سه تومان سه قران.  
قشقائی- سه تومان و پنج قران  
مخبر- از هر شهری سه تومان و پنج قران و از هر گوسفند سه قران می گیرند اگر این مسئله در گوش آقایان باشد کلاً تصدیق می فرمایند که کمیسیون منتها درجه اقل مراتب را که مطابق عدالت است در نظر گرفته و نظرش تسهیل امر برای رعایا و مودیان مالیاتی بوده ولی اگر بنا شود دائره معافیت ها را وسیع تر کنیم نمی شود.  
زیرا نماینده دولت معتقد است که اگر این معافیتها ادامه پیدا کند کسر فاحشی نسبت به عایدات پیدا خواهد شد.  
این جمله در نیز آقایان باید در نظر داشته باشند که دولت يك مزدوری است که از طرف مردم انتخاب میشود و خرجش را باید مردم بدهند و البته مزدور هائی که کار می کنند باید حقوقشان را بگیرند و ما هر وقت بدولت اطمینان نداشته باشیم او را بیرون می کنیم و يك دسته دیگر جایش می گذاریم.  
ولی وقتی که مجلس شورای ملی بدولت اعتماد دارد او این مزدور ها را لازم دارد باید مخارجش را هم مردم بدهند. دولت که مأمور وصول و ایصال مالیات است میگوید که اگر ما دایره فعالیت را زیاد کنیم عایدات دولت کم میشود و سبب کمبود عایدات وارد میآید آن وقت ناچار خواهد بود که یا لایحه مالیاتی جدیدی بیآورد و یا مجبور به استعراض شود. از این جهت کمیسیون نمی توانست این پیشنهاد را قبول کند.  
رئیس- رأی میگیریم ببینند آقای آقا سید یعقوب...  
یک نفر از نمایندگان- خوب است دوباره قرائت شود.  
(شرح سابق خوانده شد)  
رئیس- رأی میگیریم ببینند آقای آقا سید یعقوب آقایان اینکه قابل توجه میدانند (چند نفری قیام کردند)  
رئیس- رد شد. پیشنهاد آقا میرزا محمد خان وکیل قرائت میشود.  
(شرح ذیل قرائت شد)  
پیش نهاد می کنیم تبصره دوم

بترتیب ذیل نوشته شود: عوامل زراعت از قبیل گاو و گوسفند کار و اسب و قاطر و الاغ که احتیاجات زراعتی را مرتفع سازد از تادیه مالیات معاف باشند.  
رئیس- آقای وکیل الملک (اجازه)  
میرزا محمد خان وکیل - این تبصره را که کمیسیون با موافقت نظر دولت تدوین کرده بانکرده است نمی دانم ولی در حال نظر اساسی کمیسیون که این تبصره را پیشنهاد کرده است از فاق نسبت بزرگین بوده است که عوامل زراعتی آنها معاف باشد.  
ولی امروزه خیلی از اقسام ماشین های زراعتی و فلاحی از روسیه وارد کرده اند و هم قماش را آورده اند و ممکن است اینها را با اسب و گاو و الاغ قاطر بکار انداخت.  
در اینجا نظر دولت و کمیسیون قوانین مالبه در این بوده است که يك تسهیلی برای مردم فراهم بکنند ولی ماده نهم است نوشته:  
«عوامل زراعت از قبیل گاو و گوسفند و قاطر و اسب که بخش بسته میشود» فقط خیش را در اینجا نوشته و حال آنکه خیلی چیزهای دیگر هم هست که مثل خیش محتاج الیه است مثل ماشین خرمن کوب...  
ماشین حصار ماشین درو... ماشین تخم باشی... شن کش و خیلی چیزهای دیگر و چنانچه عرض شد در اینجا فقط خیش نوشته شده و به عقیده بنده یا باید اصلاً همان جمله کلی قضاوت کنند و بنویسند هر چیزی که احتیاجات زراعتی را مرتفع میسازد و کلمه خیش را بردارند.  
ولی وقتی که بنا شود خیش را بنویسند خوب است سایر چیز ها را هم ذکر کنند.  
خلاصه این است که یا خیش را هم اسم نبرند و کلیه بنویسند عوامل زراعتی یا اینکه همه را ذکر کنند و بنده برای این که جمع بین هر دو نظر شده باشد این طور پیشنهاد کرده ام که خیش را بردارند و فقط نوشتیم:  
آنچه که احتیاجات زراعتی را مرتفع می سازد از تادیه مالیات معاف باشد.  
رئیس- آقایان آقا سید یعقوب و شریعت زاده هم در همین زمینه پیشنهادی کردند که گامه خیش حذف شود.  
مخبر- نظر کمیسیون با روح پیشنهاد آقای وکیل موافق است برای اینکه حیواناتی که عوامل زراعتی هستند مالیاتشان را من غیر مستقیم در موقع پرداخت محصول میبرادند.  
نظر دولت و کمیسیون این بوده است که حیواناتی که استفاده حیواناتی

نگاهداری ولی گاو و ماده گاو نمی تواند نگاهدارند.  
غرض این است هر جانی استمداد مخصوصی دارد و مقصود از پیشنهاد بنده این است که جمع بین نظریه آقایان و کمیسیون شده باشد و این ماده این طور بگذرد که اگر یک نفری خواست بجای يك ماده گاو دیگر نگاهدارد اجازت داشته باشد و معاف باشد.  
یک نفر از نمایندگان- الان هم اجازت دارد.  
میرزا محمد خان وکیل- خیر این با ترتیبی که دولت پیشنهاد کرده و فعلاً هست حق نگاهداشتن ندارد ولی با تسویب این پیش نهاد بنده این حق را خواهد داشت.  
معاون وزارت مالبه نظر ما و مجلس این است که تا اندازه وسائل تسهیل کار برای رعیت فراهم شود چنانچه مذاکراتی هم در این موضوع شد غرض این است که وسائل زراعت برای رعیت فراهم شود تا ماهم بتوانیم از اموالیات بگیریم و بیزانی از عوامل مختلفه از حیث دواب و اغنام و مواشی در نظر گرفته شد و قرار شد يك معاقت هائی داده شود تا اسباب سهولت کار رعیت فراهم شود.  
اگر ممکن بود پیش از این معاقت هائی که داده شده بر رعیت معاقت داده شود و تسهیلات فراهم گردد خیلی خوب بود ولی يك مطلبی را بنده در جلسه گذشته عرض رساندم که اگر نسبت به عراض بنده توجهی می شد دیگر محتاج باین پیشنهاد هائی نبود این است باین ترتیبی که معاقت داده میشود در نظر است از عایدات که امروزه بعنوان مالیات از اغنام و احشام گرفته می شود خیلی کاسته می شود و يك تکس فاحشی به عایدات دولت تعلق میگیرد آقای وکیل میفرمایند در بعضی از نقاط مملکت آب و هوا استعداد پرورش اغنام و احشام و دواب همه را دارد و بعضی جاها استعداد پرورش بسیار خوب فرض میکنیم در یکی دو نقطه مملکت این نظر استثنائی در کار باشد.  
ولی اساساً در يك ماده قانون که راجع به تمام نقاط مملکت است نمی شود برای برای یکی دو نقطه مخصوص يك استثنای کلی قرار داد و يك معاقت کلی قائل شد ملاحظه فرمایند چه قدر تفاوت و تکس عایدات خواهد بود.  
بنده قبلاً عرض کرده ام و حالا هم عرض میکنم که اینها يك نظریات و مراتبی است که در نظامنامه کار باید گنجانند و فرضاً که یکی دو نقطه آنطور باشد که آقای وکیل فرمودند ممکن است در ضمن عمل بوسیله متجدد اعمال ها آن یکی دو نقطه

بخصوص را معاف داشت و در نظامنامه قيد کرد باز فرضاً اگر يك متنتبات دیگری پیش بیاید آنها را هم ممکن است قيد کرد.  
ولی عجلتاً در ضمن قانون بطور کلی نمی شود این نظر را قائل شد و حالا اگر ما بخواهیم این نظر را يك اصل کلی قرار بدهیم فرض کنیم که ممکن است در خودشان را میبرادند همان قبضشان را نگه دارند و هر وقت که میآیند همان را ارائه بدهند و در آخر ماه در صورتیکه بقدر نوافل ماهیه پرداخته باشند آن را معاف کنند خیلی خوب است.  
مقصود این است طوری شود که مالیات دیگری متوجه آن ها نشود و يك تسهیلاتی برای رعایا و آن اشخاصی که دسترسی ندارند که يك دفعه مالیات بدهند منظور شود.  
امروزه این رعایت فقط اختصاص پیدا کرده بکسانی که در شهر هستند از این جهت بنده اینطور پیشنهاد کردم که در واقع يك رعایتی نسبت به رعایای بی چاره بشود.  
مخبر- بنده با پیشنهاد آقای ارباب موافقم نظر کمیسیون هم همین بوده است منتها تصور میگردیم که در طریق اجرا و عمل اسباب زحمت فراهم شود.  
ولی آقای ارباب حالا که این پیشنهاد را کرده اند ناچار آقا هم (اشاره بعاون وزارت مالبه) مطالعاتی کرده اند و شاید آقای ارباب هم با ایشان يك تبادل نظر هائی نموده اند و ملاحظه میفرمایند ببینند در هر حال کمیسیون موافقت شیروانی - خوب است دومر تب قرائت شود.  
(شرح فوق خوانده شد)  
رئیس- پیشنهاد آقای بیات قسمت اولش موافقت با این پیشنهاد آقای ارباب که مخبر قبول کردند ولی قسمت دومش قدری اختلاف دارد.  
در هر حال قرائت میشود  
(شرح ذیل خوانده شد)  
رئیس- قسمت اخیرش با هم فرق دارد بفرمائید  
بیات - در این پیشنهاد که آقای ارباب فرمودند يك قسمتش با این پیشنهاد بنده اختلاف دارد و آن اینست که آقای ارباب پیشنهاد کرده اند از نوافل ماهیه کمتر نبرادند  
یعنی مبلغی را که مطابق نوافل ماهیه باشد بپردازند و این گمان میکنم قدری مشکل باشد بجهت اینکه عرض میکنم دوره ممیزی پنجسالست

یکدفعه بدهند بشود.  
زیرا اگر بدهقان مالبه مراجعه شود معلوم میشود که خیلی ارزعایا هستند که چند مقابل و اقل ماهیه خود تدریجاً میبرادند و اگر آن کسانی که نوافل در دستشان است يك بلیط مخصوصی ترتیب بدهند که هر دفعه که این رعایا بشهر می آیند و نوافل خودشان را میبرادند همان قبضشان را نگه دارند و هر وقت که میآیند همان را ارائه بدهند و در آخر ماه در صورتیکه بقدر نوافل ماهیه پرداخته باشند آن را معاف کنند خیلی خوب است.  
مقصود این است طوری شود که مالیات دیگری متوجه آن ها نشود و يك تسهیلاتی برای رعایا و آن اشخاصی که دسترسی ندارند که يك دفعه مالیات بدهند منظور شود.  
امروزه این رعایت فقط اختصاص پیدا کرده بکسانی که در شهر هستند از این جهت بنده اینطور پیشنهاد کردم که در واقع يك رعایتی نسبت به رعایای بی چاره بشود.  
مخبر- بنده با پیشنهاد آقای ارباب موافقم نظر کمیسیون هم همین بوده است منتها تصور میگردیم که در طریق اجرا و عمل اسباب زحمت فراهم شود.  
ولی آقای ارباب حالا که این پیشنهاد را کرده اند ناچار آقا هم (اشاره بعاون وزارت مالبه) مطالعاتی کرده اند و شاید آقای ارباب هم با ایشان يك تبادل نظر هائی نموده اند و ملاحظه میفرمایند ببینند در هر حال کمیسیون موافقت شیروانی - خوب است دومر تب قرائت شود.  
(شرح فوق خوانده شد)  
رئیس- پیشنهاد آقای بیات قسمت اولش موافقت با این پیشنهاد آقای ارباب که مخبر قبول کردند ولی قسمت دومش قدری اختلاف دارد.  
در هر حال قرائت میشود  
(شرح ذیل خوانده شد)  
رئیس- قسمت اخیرش با هم فرق دارد بفرمائید  
بیات - در این پیشنهاد که آقای ارباب فرمودند يك قسمتش با این پیشنهاد بنده اختلاف دارد و آن اینست که آقای ارباب پیشنهاد کرده اند از نوافل ماهیه کمتر نبرادند  
یعنی مبلغی را که مطابق نوافل ماهیه باشد بپردازند و این گمان میکنم قدری مشکل باشد بجهت اینکه عرض میکنم دوره ممیزی پنجسالست

آیا این را از روی چه نظری ممکن است یکدفعه معین کرد و به عقیده بنده تعیینش مشکل است  
ولی این ترتیبی را که بنده پیشنهاد کردم چون این حیواناتی که هستند از دو حار خارج نیست با نوافل ماهیه میبرادند یا اغلب برای مسافرت و بار برداری هستند که شتر دار یا چارو دار بوسیله آن ها باز کشی و حمل و نقل مینمایند بولایات و ایالات و در بین راهها و شهرها نوافل را مکرر در مکرر میبرادند و البته يك قسمت از این حیوانات ممکنست باز کشی نکنند و در محل باشند و مسافرت نکنند ولی يك قسمت از این حیوانات متعلق بچارو دار و مکاری است که متصل در محل و مسافرت هستند که در شهرها و نوافل از آن ها گرفته می شود.  
بنده تصور میکنم با اینکه ما نوافل ماهیه را معاف میکنیم علتی ندارد حیواناتیکه بطور دیگر نوافل را میدهند معاف نباشد برای اینکه اینها هر دو در حکم واحدند یا باید آن هائی هم که نوافل ماهیه میدهند معاف نباشند یا اینکه این قسمت هم باید معاف باشد  
مخبر- بنده عرض کردم که این اصول همیشه ظاهر و واضح است که هر یک نسبت به زیاد ترش کم است و هر کمی نسبت به کم ترش زیاد است  
اگر چنانچه ما میل داریم که بکلی مالیات را نسخ کنیم که اینک عقیده شخص بنده این است که این مالیات رضی و حیوانات باید بکلی نسخ شود و مردم با آسایش مشغول رعیتی باشند  
منتهی خرج دولت از يك محل دیگری باید تهیه شود مثل اینکه قند و چای و شکر را دولت منحصر بخودش کرده تجارت نفت را هم مثلا انحصار بخودش بدهد یا اینکه از راه دیگر از قبیل اینکه بر گمرکات بیفزایند تهیه مخارج دولت را بنمایند و این يك مسئله ای است حل نمیشود.  
ولی امروز که نزدیک آخر دوره پنجم است و در مجلس چهارم و پنجم خیلی در این موضوع مباحثات شده چاره ای ندیدیم غیر از اینکه تعدیل کنیم مالیات های موجوده را و این پیشنهاد آقا بکلی مالیات حیوانات را از بین ببرد برای اینکه هر يك از اینها يك حق العبوری در عرض سال جانی خواهند داد ممکنست هر کسی اینکار را نکند و يك مرتبه پنج شاهی بدهد و مالش را بیاورد در شهر و برگرداند از تادیه مالیات معاف باشد و این بکلی موضوع مالیات را از بین میبرد  
بنده از آقایان استدعا میکنم که باین پیشنهادها خانه بدهند تا این قانون بگذرد و مردم آسایش پیدا کنند و از این فشار حالیه خلاص شوند.



بهر صورت در این بکسفت که مقصود دولت و کمسیون این بوده است که با اصل مالیات دولت دست نخورده بماند مخالف.

اما در موضوع دیگر اینجابه عقیده بنده این ماده کاملاً گوسه ریش یون است و این يك امر محالی است همانطوریکه آقای کازرونی آن روز توضیح داده اند چون طریق حلی پیدا کرده اند اینطور نوشته اند در این جامینویسند:

مالیات جمعی است یعنی از دقریه و قراء و طایفه و عیشیه مالیات گرفته می شود اما از دارندگانش گرفته میشود.

بنده نفهمیدم اگر در يك قریه ده هزار گوسفند داشته است و مالیاتش را هم می داند اند صاحب آن قریه بیاید و قریه را با حیوانات و سایر ما بحتاج آن قریه بکس دیگر بفروشد و خودش برود به يك ایالت دیگر.

آیا شما از این قریه بطور جمعی مالیات میخواهید در صورتیکه صاحب آن ملک ملکش را فروخته و مثلا بشیراز رفته یکی دیگر این ملک را خریده بنده که نمیدانم این چگونه میشود؟

بنده معتقدم که این درست يك امر محالی است و گوسه ریش یون است و اساساً این طریق که نوشته اند عملی نیست چون اینکه مینویسد بطریق جمعی است مقصود این است که اگر در این ده که یا نصد گوسفند دارد و متعلق پنج شش نفر است در سان اول که میروند و میزنی می کنند يك مالیاتی برای این ده مقرر می کنند.

مثلاً مینویسند برای حسن آباد مالیات مزارع و مواشی ۵۰ تومان و این مبلغ را از این ده میخواهند اما اینک این گوسفند مال من باشد.

یامان بقی باشد یا مال کسی دیگر بنده چون می بینم موافق باطریقه هستم که آقای مدرس فرمودند که مالیات نقدی گرفته شود.

یعنی امسال که همبزین فرضاً به قریه حسن آباد رفته اند و تشخیص دادند که چقدر مالیات در سال باید این ده بدهد تا ۷۰ سال دیگر پس از این همبزی ریش مردم حسن آباد از دست همبزی راحت است و هر سال دیگر نمی آیند گوسفند هایش را بشمارند و ازب کنند.

اسمال می آیند و همبزی میکنند و می بینند حسن دارای صد گوسفند است یا جعفر دارای ۲۰ گوسفند است سال دیگر هم می آیند و با همبزی میکنند یا مالیات صد گوسفند یا ۲۰ گوسفند را بده در صورتی که حسن گوسفندش را فروخته باشد بعین باجه فرستش را فروخته باشد یعنی مالیاتش نوشته ایم همه ساله مالیات از دارندگان حیوانات بطریق فوق گرفته شود و این صد تومانی را که مثلا باید مالکین حیوانات

که این تبصره بکلی بد نوشته شده است و بنظر بنده باید این طوری که بنده پیشنهاد کرده ام نوشته شود که در سال اول همبزی کنند و دارندگان گوسفند همین شود که می بیند بپش - نهاد کرده.

اما پیشنهادی که آقا فرموده اند می نویسد مالیات مراغ و مواشی بعد از همبزی همه ساله از دارندگان حیوانات بطریق فوق اخذ می شود.

اگر بنا باشد که همه ساله باشد دیگر همبزی معنی ندارد.

همه ساله میروند و گاوی و گوسفند را مطابق نرخ که در این قانون معین شده می شمارند و مالیات آن را می گیرند دیگر همبزی معنیاش چیست؟

اگر باین ترتیب بخواهیم مالیات بگیریم این مالیات غیر مستقیم است نه مالیات مستقیم.

ما بیشتر نظری که داشتیم این بود که عایدات دولت را بطور ثالث معین کنیم که دولت همه ساله نیاید و بگوید عایدات ما فلان مبلغ کسر کرده بیاید يك مالیاتی اضافه کنید یا اجازه استقراضی بدهید که يك مبلغی برای کسری بودجه قرض کنیم و نظر ما از تدوین این ماده این بود است که هم این ترتیب پیش نیاید و هم اسباب زحمت مردم فراهم نشود و این پیشنهاد آقای شیروانی تصور میکنم آن موضوع گوسه ریش یون است که فرمودند در این پیشنهاد خودشان است.

رئیس - رأی می گیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای شیروانی آقایانی که پیشنهاد ایشان را قابل توجه می دانند قیام فرمایند.

(عده قلبی برخاستند)

رئیس - قابل توجه شد پیشنهاد آقای بیات (مضمون ذیل خوانده شد)

تبصره ۴ را ب شرح ذیل پیش نهاد می نماید.

تبصره ۴ - همبزی حیوانات نسبت بیک قریه یا طایفه و غیره بطور جمعی است و همه ساله مالیات از دارندگان حیوانات بمیزان فوق مأخوذه میشود.

رئیس - آقای بیات (اجازه)

بیات - اینجا اختلافی که پیش نهاد بنده باماده که از کمسیون گذشته دارد بلوک حذف شده و علتش هم این است که بطوری که آقای حائری زاده اظهار نمودند.

بعد از این همبزی باید تمام مدت پنج سال با هفت سال افلا از طرف مأمورین مالیه مزاحمت بمؤدیان داده نشود و ممکن است در این مدت پنج سال همانطور که اظهار

شد این حیوانات دست بدست بگردد یا بکفر بدیگری بفروشد و آنوقت مالیات از صاحب اولش مطالبه شود و اینکه خرید از دادن مالیات معاف بماند.

این صحیح است و باید اینطور باشد ولی در تشخیص این مطلب برای دولت اسباب اشکال میشود.

برای اینکه دولت نمیتواند تشخیص بدهد که کی مثلا گوسفند خریده و کی فروخته باید که نمایانده یا مثلا بشیرین دهات خودشان در موقع پرداخت مالیات به نشینند و قرائی برای پرداخت مالیات بین خودشان بدهند و آن مالیات را بین رعایا تقسیم بندی کنند.

در اینصورت هم باز قدری اشکال پیدا میکند زیرا در صورتی که گوسفندی را از این ده بدهد دیگر فروخته باشد اسباب اشکال برای کسب نمایان میشود برای اینکه از این ده به آن ده رفتن یا از این طایفه به آن طایفه رفتن اسباب زحمت کسب نمایان یا بشیرین می شود آنوقت مباشرین مجبورند که مأمورین مالیه را دخالت بدهند.

بنابراین با آن نظری که ما داریم و احتراز میکنیم از اینکه مأمور مالیه همه روز اسباب مزاحمت رعایا را فراهم بیاورند آن اشکال پیش خواهد آمد و چون این اشکالات بنظر بنده باید رفع شود از آن طرف هم این قانون صورت عملی بخودش بگردد بنده پیشنهاد کرده ام که بلوک قراء از ماده حذف شود در آن صورت رفع این اشکالات میشود و آنوقت يك طایفه یا يك قریه بین خودشان اینکار را میکنند و محتاج بمأمور مالیه نیستند.

مخبر - کمسیون با این پیشنهاد موافقت دارد.

رئیس - قبول میکند.

مخبر - بلی قبول میکنم.

رئیس - پیشنهاد آقای اسمعیل خان - قشقای هم دیگر ورد ندارد.

قشقای - بلی مسترد میکنم.

رئیس - پیشنهاد شاهزاده محمدولی میرزا غلامحسین میرزا مسعود هم دیگر مورد ندارد.

محمدولی میرزا - بلی.

رئیس - پیشنهاد آقای تهرانی (مضمون ذیل قرائت شد)

این بنده پیشنهاد مینمایم که در آخر تبصره چهار اضافه بشود ولی دارندگان حیوانات مزبور می توانند همه ساله همبزی جدید بخواهند.

طهرانی - فرض میکنم که يك ده یا يك قریه هزار گوسفند دارد مطابق مواد آتی که نوشته شده در صورتی که یا نصد گوسفند رسیدن تقاضای تجدید همبزی خواهند داشت ولی اگر آمد و عده گوسفند هایشان را بپنجاه تا صد هزار تا چهار صد و پنجاه تا آن گوسفند ها تلف شد آنوقت باید همان ده

تومانی را که مثلا برای هزار گوسفند مالیات میداده است همان مبلغ را بدهد.

در صورتی که بیشتر از این صد و پنج گوسفند ندارد و این يك ظلمی است که گوسفند بدبخت می شود آفت آسمانی آمده برقت بدبخت می شود ساقط کرده و چون است و او را از هستی ساقط کرده و چون از آسمان نوسری خورده ما هم باید نوری شرش بر زمین که حتما باید عوض يك قران می و پنج شاهی برای هر گوسفندی بدهی.

منتهی دلیلی که آقایان گفتند این بود که در صورتی که جمعی قرار دادند با هم دیگر هر سال يك همبزی آنجا نمیروند که اسباب زحمت رعایا را فراهم کند از این جهت ما اختیار تقاضای همبزی را بر رعایا داده ایم که هر وقت بخواهند و به بینند برای آنها ضرر دارد تقاضای تجدید همبزی کنند.

ولی این قسمت را در نظر نگرفته اند که اگر چنانچه چهار صد و پنجاه عدد گوسفند رعیت تلف شود تکلیفش چیست.

در این صورت این شخص باید پنج تومان و نیم بدهد آنوقت مطابق ماده ازاده تومان مطالبه می کنند و بنظر بنده برای رفع این اشکال باید اینطور نوشته شود و این قسمت ضمیمه شود.

ولی دارندگان حیوانات مزبور می توانند همه ساله همبزی جدید بخواهند و اگر چنانچه مزارع مالیات مخرج میزنی را بدولت واگذار کنیم که بودجه اش کافی نیست و اگر بخواهیم بمالك واگذار کنیم این هم خوب نیست بنابراین کمسیون نمی تواند این پیشنهاد را قبول کند.

رئیس - رأی می گیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای طهرانی آقایان موافقت قیام فرمایند.

(عده کمی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. اگر آقایان موافق باشند بقدر ده دقیقه تنفس داده شود.

بعضی از نمایندگان - صحیح است (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از بیست دقیقه مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - پیشنهاد شاهزاده افسر قرائت می شود.

(اینطور خوانده شد)

پیشنهاد می کنم چنانچه صاحبان مواشی مدلل کردند که مواشی آنها تلف شده و معادل آن را هم ندارند از مالیات معاف باشند.

رئیس - این باید بتبصره چهار اضافه شود (خطاب بشاهزاده افسر فرمائید)

افسر - عرض میکنم بالاخره باید اینکه به نظر بنده همانطوری که سابقاً توضیح دادم باید مالیات مواشی نسبت به املاك در صورتی که يك رعیتی که صدمه اش دارد و ده میش بر آن علاوه شود یا اینکه يك نفر مالك مجاور بواسطه منافقانی که بآن شخص دارد اگر رابورث بدهد که این رعیت بیست گوسفند علاوه از آنچه که معبزی شده پیدا کرده است در این صورت وزارت مالیه مکلف باشد که امروز برود معبزی کند.

علاوه بر اینکه اسباب زحمت آنها فراهم می شود اسباب زحمت وزارت مالیه هم فراهم خواهد شد ولی در صورتی که آقای طهرانی فرمودند که اگر يك نفر مالك تلف مثلا چهار صد گوسفند يك نفر مالك تلف شود این را می شود قبول کرد وزارت مالیه تقاضای همبزی می کنند مگر آنکه کسانی که زحمت رعایا را فراهم کنند از این جهت ما اختیار تقاضای همبزی را بر رعایا داده ایم که هر وقت بخواهند و به بینند برای آنها ضرر دارد تقاضای تجدید همبزی کنند ولی مزارع همبزی را بدهند.

مخبر - بنده تصور میکنم این پیشنهاد به نفع دارندگان مواشی نباشد برای اینکه نفع نظر ما کمتر دخالت دادن دولت است در کار داخلی رعایا و دولت هر چه مداخله اش کمتر باشد در کار رعایا برای آنها بهتر است.

آنها می توانند زندگانی کنند و ما میل داشتیم مدت همبزی را دوازده سال کنیم و دولت پنج سال پیشنهاد کرده بود بالاخره به هفت سال توافق نظر حاصل شد.

اگر ما بخواهیم مزارع همبزی را بدولت واگذار کنیم که بودجه اش کافی نیست و اگر بخواهیم بمالك واگذار کنیم این هم خوب نیست بنابراین کمسیون نمی تواند این پیشنهاد را قبول کند.

رئیس - رأی می گیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای طهرانی آقایان موافقت قیام فرمایند.

(عده کمی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. اگر آقایان موافق باشند بقدر ده دقیقه تنفس داده شود.

بعضی از نمایندگان - صحیح است (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از بیست دقیقه مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - پیشنهاد شاهزاده افسر قرائت می شود.

(اینطور خوانده شد)

پیشنهاد می کنم چنانچه صاحبان مواشی مدلل کردند که مواشی آنها تلف شده و معادل آن را هم ندارند از مالیات معاف باشند.

رئیس - این باید بتبصره چهار اضافه شود (خطاب بشاهزاده افسر فرمائید)

افسر - عرض میکنم بالاخره باید اینکه به نظر بنده همانطوری که سابقاً توضیح دادم باید مالیات مواشی نسبت به املاك در صورتی که يك رعیتی که صدمه اش دارد و ده میش بر آن علاوه شود یا اینکه يك نفر مالك مجاور بواسطه منافقانی که بآن شخص دارد اگر رابورث بدهد که این رعیت بیست گوسفند علاوه از آنچه که معبزی شده پیدا کرده است در این صورت وزارت مالیه مکلف باشد که امروز برود معبزی کند.

مالیات مواشی عادلانه باشد زیرا بطوریکه آقای طهرانی فرمودند.

چنانچه چهار صد و پنجاه گوسفند این رعیت تلف شود مطابق این ماده باید تمام مالیات هزار گوسفند را بدهد و علاوه بر اینکه و احشام نسبت بمالیات اراضی صد ۱۲ و صد ۱۳ می شود نه صد ۳ و نیم باید در موقتی هم که خسارت به آنها وارد آمده و اغنام و احشام شان تلف شده مالیات آن را هم بدهند.

این هم مثل مالیات ارضی که اگر چنانچه ملک از میان برود و خراب شود دیگری چیزی ندارد که مالیات گرفته شود این شخص هم بیکه قدر از گوسفندش تلف می شود دیگر جای آن چیزی نیامده که مالیات بدهد.

بنابراین بنده اینطور پیشنهاد کردم که اگر مدلل کرد دو ثابت نمود که حیواناتش تلف شده یا از بزرگتره و عوض آن راه اندازد مالیات معاف باشد.

مثل سایر مالکین ارضی که وقتی آفت رسید از دادن مالیات معاف هستند اینها هم در صورتیکه احشام آنها از بین برود باید از پرداخت مالیات معاف باشند.

رئیس - عقیده کمسیون چیست؟

مخبر - کمسیون نمی تواند قبول کند.

رئیس - رأی می گیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایان موافقت قیام فرمایند.

(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد دیگر آقای طهرانی.

(شرح ذیل خوانده شد)

این بنده پیشنهاد مینمایم که در آخر تبصره چهار اضافه شود:

ولی دارندگان حیوانات می توانند هر وقت بخواهند تقاضای همبزی جدید نمایند مشروط بر اینکه مزارع همبزی جدید را بدهد بگیرند.

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

طهرانی - گمان میکنم دیگر محتاج بتوضیح نباشد و تصور میکنم هم نماینده دولت قبول کند و هم مخبر کمسیون.

مخبر - قبول میکنم.

معاون وزارت مالیه - دولت هم می پذیرد.

رئیس - ولی این بضرر مؤدیان مالیات است.

کازرونی - بنده مخالفم.

رئیس - آقای کازرونی چه می فرمائید؟

کازرونی - بنده با این پیشنهادی که قبول کردند مخالفم.

رئیس - قبول کرده اند اگر مخالفید

رأی نمیدهید.

(مضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم تبصره بترتیب ذیل اصلاح شود.

تبصره در هر سال دارندگان مواشی از یکطرف و دولت از طرف دیگر می توانند تجدید نظر بخواهند و نیز مالکین مواشی حق دارند در موقع نقل و محل دیگر یا فروش به غیر بسالیه محل اطلاع بدهند.

رئیس - آقای نظامی (اجازه)

نظامی - عرض میکنم این ماده هفت اسباب زحمت برای طبقه رعیت فراهم خواهد کرد.

بنده می بینم بکفر دهاتی که دارای چند رأس گوسفند باشد همه روزه در زحمت خواهد بود.

ولی بنده اینجا اختیار داده ام باشخاص که دارای یا بده یا بصد گوسفند هستند بتوانند هر وقت بگوسفند های آنها آفتی وارد آمد یا به محل اطلاع بدهند و البته مالیه محل رسیدگی می کند اگر اظهارشان صحیح است که يك تخفیفی به آنها میدهد و دیگر يك مالیاتی بدون جهت به آنها تحمیل نمی شود دیگر بسته است برای آقایان.

رئیس - آقای رضوی (اجازه)

رضوی - این پیشنهاد آقای نظامی به اصطلاح کرراً علی مافر است از یکطرف میخواهند از شتر مأمورین دولت فرار کنند از طرف دیگر در این پیشنهاد دولت حق میدهد که همه ساله تجدید همبزی بکند و این اسباب زحمت برای مؤدیان مالیات است بنابراین بنده مخالفم علاوه بر این باید در ماده هفت این مسئله ذکر شود نه در این جا.

رئیس - رأی می گیریم پیشنهاد آقای نظامی آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند.

رئیس - تصویب نشد پیشنهاد جمعی از آقایان دایر بر يك تبصره اضافی است (بترتیب ذیل خوانده شد)

ما امضاء کنندگان تقاضا میکنیم تبصره ذیل باده هفت اضافه شود.

تبصره - يك عشر از کل عایدات حاصله از ماده فوق برای احتیاجات صحیه ایالات و ولایات و برای دفع آفات و امراض حیوانی در ایالات و ولایات اختصاص داده می شود.

شریعت زاده - دکتر حسین بهرامی.

محمدولی اسدی - شیروانی.

(در این موقع شاهزاده آقایان نمایندگان اجازه خواستند)

رئیس - فقط آقایانی که عضو کمسیون



هستند میتوانند اجازه بخواهند و صحبت کنند آقای شریعت زاده

شریعت زاده به عقیده بنده اقدام در دفع حوائج صحت مملکت بزرگترین قدمی است که جامعه را بطرف سعادت و عظمت می کشاند

از طرف دیگر البته آقایان توجه فرموده و تصدیق میفرمایند که شدت حوائج و فشار عناصری که در کار هستند همیشه و هر سال دولت را مجبور میکنند که بودجه خود را موافق با اصل متناسبی تدوین کند

باین مناسبت است که در این سنوات مخصوصاً در این دوره مجلس شورای ملی موفقیت حاصل شده است که مسئله صحت یکی از مسائل حیاتی مملکت است یک فصلی در بودجه عمومی مملکت داشته باشد و تصور می کنم اگر در موقع وضع مالیاتها یک سهمی برای این امر حیاتی مملکت اختصاص داده بشود اکثر آن حوائج رفع می شود

زیرا وقتی یک وجهی در بودجه اختصاص داده شود باین محل البته دولت ناچار است خرج بکنند و آقایان هیچ توجهی نمی فرمایند که ما اینجا در کمال راحت نشسته ایم و هزار ها اولاد ایرانی هه ساله در نتیجه امراض محکوم بمیرک می شوند

رئیس - آقایان کازرونی عضو کمیسیون هستند

کازرونی - خیر

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - عضو کمیسیون نیستم

رئیس - آقای دست غیب

دست غیب - بنده هم عضو کمیسیون نیستم

رئیس - آقای سهراب زاده

سهراب زاده - بنده هم عضو کمیسیون نیستم

رئیس - آقای امامی

امامی - عرضی ندارم

رئیس - آقای دکتر امیر اعلم هم که

عضو کمیسیون نیستند

آقای عدل (اجازه)

عدل - در اینکه صحت برای مملکت خیلی لازم است این مسئله ایست که محتاج بدانکه نیست ولی بنده عقیده ام ایست که قانون برای مالیات گرفتن گذاشته میشود نه برای خرج و برای خرج دولت همه ساله یک بودجه می آورد در کمیسیون بودجه و کمیسیون هم ملاحظه میکنند و می آوردند مجلس میکنند

ما اگر بنایمان بر این باشد در هر مالیاتی که وضع میکنیم یک زنگوا هم دنبالش بنشینیم بنده تصور میکنم عملی نباشد ما نیکو تویم صحت نباشد البته صحت برای انسان هم لازم است در صورتی

است برای اطفال هم لازم است ولی این را باید خود اداره صحت بنویسد و بیاورد اینجا هم بالای سرمان میگذاریم و قبول میکنیم و الا این قانون را با آن قانون مخلوط کردن بنده عملی نمی بینم

مخبر - چون این مسئله در همین قانون سابقه دارد و بنده هم بنظر اعضاء کمیسیون را موافق می بینم از این جهت قبول می کنم

یک نفر از نمایندگان - دوباره قرائت شود (مجدداً شرح سابق خوانده شد) آقا شیخ فرج الله بنده مخالفم و بلا هم اجازه خواسته بودم معاون وزارت مالیه البته موافق نظامات مجلس این قبیل مسائل در صورتی که سابقه مذاکره در کمیسیون میداشته است و موافقت نظری بین دولت و کمیسیون حاصل می شده است در مجلس چندین مورد مذاکره واقع نمی شد

ولی نظر باینکه این مطلب علی الففله در مجلس مطرح شده بود در کمیسیونها مذاکره در این باب نشده بنده هم سابقه ندارم مطلب یک قدری طولانی شده است ولی در وزارت مالیه راجع باین مسئله مذاکرات زیادی شده که آتاه می شود قبول کرد که در وضع هر مالیاتی یک قسمت خرجی برای یک امری معین کنیم یا نه

بلاخره دیدیم ممکن نیست و البته اگر ممکن بود قبول می کردیم چون تصمیم گرفته ایم این اصلی را که از هر عوائدی یک قسمت را بیک خرجی تخصیص بدیم ازین برداریم

از این جهت نمی توانم قبول کنم و حتی المقدور سعی می کنم که اصلاً این اصل را در امور مالیه مرتفع نمائیم و نسبت باین مسئله دولت هم موافق نیست ولی مهنا اگر کمیسیون موافق است و مجلس هم رأی میدهد آن مسئله ایست علی حده

رئیس - فقط راه حلی که دارد اینکه آقایان نسبت بجاهد و تبصره ها میتوانند تقاضای تجزیه بکنند و آقایانی که مخالفند رأی نمی دهند

آقای افسر پیشنهاد کرده اند صدی پنجاه این عوائد بمصرف رفع آفات حیوانی برسد - آقای افسر

افسر - عرض می کنم این پیشنهاد بطور اجمال است یعنی فقط نوشته است صد دهر معلوم نیست چقدرش برای صحت است و چقدرش برای رفع آفات حیوانی ولی بنده برای تعیین این دو قسمت این پیشنهاد را کردم زیرا موسسه رفع آفات حیوانی بیشتر اهمیت دارد و اگر آقایان توجه بفرمایند سابقه هم داشته است

مثلاً در مالیات نوافل عشرش را برای آبله کوبی تخصیص داده اند در صورتی

که بندگان تناسبی هم با هم ندارند ولی در اینجا بقیه بنده اگر از این مبلغی که از خود این حیوانات بعنوان مالیان می گیرند یک قسمت را صرف دفع امراض و آفات آنها بکنند تناسبش بدرجات بیشتر از آنچه است

رئیس - (خطاب به آقای افسر) این صد پنجاه علاوه بر آن صد ده است؟ افسر - خبر آن صد ده را تقسیم کرده صدی پنجاه برای صحت ایالات و صدی پنجاه هم برای دفع آفات حیوانی

رئیس - پس پیشنهادتان اصلاح بفرمایند آقای مخبر چه میفرمایند مخبر - این از وظائف کمیسیون بودجه و دولت است کمیسیون نمی تواند قبول کند

رئیس - رأی می گیریم بقبول توجه بودن پیشنهاد آقای افسر آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده قبلی قیام نمودند) رئیس - قابل توجه نشد - پیش نهاد آقای ضیاء (اینطور قرائت شد)

پیشنهاد می شود تبصره که کمیسیون قبول نمود علاوه شود (بلوکات و ایلات)

رئیس - آقای آقا ضیاء (اجازه)

آقای سید ابراهیم ضیاء - پیشنهادی که بامضای چند نفر از آقایان تقدیم شد و مخبر محترم کمیسیون قبول فرمودند این بود

که یک عشر از عایداتی که موافق این ماده حاصل می شود (که ماده هفتم بخصوص باشد) تخصیص داده شود بصحیه ایالات و ولایات در حالتیکه اصلاً این مالیات رویه گرفته از دهات و بلوکات و ایلات گرفته می شود و گاو - میری و سایر اثاثات هم بیشتر متوجه همین دهات و ایلات است

در اینصورت عدالت و انصاف مقتضی است که این مبلغ تخصیص داده شود بصحیه دهات و ایلات و در این تبصره که قای مخبر قبول کردند ذکر کردیم ایلات و بلوکات و دهات نشده اند بنده پیشنهاد کردم که ایلات و بلوکات هم علاوه شود

معاون وزارت مالیه - البته عرضی که بنده میکنم متناسب است با پیشنهادی که از طرف آقا شده است ولیکن چون در زمینه اصل پیشنهاد تخصیص دادن این مقدار از مالیات برای صحت است

این است که برای تکمیل آن مختصری که قبلاً عرض کردم لازم دانستم که با استحضار خاطر محترم آقایان برسانم

ترتیب بود اعم از جمع خرج تا چند سال قبل یک ترتیبی در مملکت داشته ولی از چند سال به اینطرف خیلی مراقبت ها و مواظبت ها شده که نه تنها مالیات ها بلکه کلیه مخارج هم باید به تصویب مجلس باشد

علاوه بر این یک چیز دیگری هم که

باید تماماً رعایت شود این است که یک اصل مسلمی در وزارت مالیه برای تدوین و تنظیم بودجه اعتبار شده است که عایدات و مخارج باید دو قسمت مجزا و مفروق باشد و هیچ وجه مخارج مخلوط با عایدات نشود و بالعکس

بعلاوه نسبت با آنچه عشریه معارف بود در تمام مالیات ها هم که صدی نیم در اینصورت برای معارف معین شد و مجلس هم تصویب فرمود

بنده در خاطر دارم و اگر نظر آقایان محترم باشد بنده در تمام این قسمت ها عرض کردم که این ترتیب صورت اداری ندارد

مهنا چون مجلس تصویب کرده است البته وزارت مالیه تکلیفش اطاعت امر مجلس است ولی مانع از این نیست که آن طریق را که در اداره مالیه معمول است و بلاخره بمرحله تکامل یا کمالات برسانیم آن را عرض کنم که آقایان هم التفات بفرمایند که نسبت باین مسائل در محظور نباشیم و نسبت با آنچه نظر بیکه راجع بجمع خرج بودجه مملکت است تأمین شود مخصوصاً راجع بصحیه شاید اگر بیشتر از آن اندازه کدر نظر آقایانست ما متوجه نباشیم لافل تا همین اندازه متوجه هستیم که با بهره رسی که ممکن است مسائل صحت را توسعه داد و بلکه تکمیل نمود

این یک اصل مهم و بلکه در حقیقت تکلیف اولیه است و در وزارت مالیه هم در این قسمت همیشه در نظر هست که باید بایک مالیات جدیدی وضع کرد یا از حذف بعضی مخارج که شاید بنظر زائد می آید و یا بلاخره به روشیه دیگری که مجلس صلاح بداند یک مبلغی تخصیص داده شود بصحیه که حقیقتاً در تکمیل و توسعه صحت یک اقدامی بشود

بهین مناسبت هم هست که از طرف صحت هر وقت هر اقدامی بایک اشاره نسبت باین موضوع شده است بجهت اینکه امر حیاتی و مهماتی است و موثر در زندگی آتی ما خواهد بود

اما اینکه در موقعیکه وضع یک مالیاتی می شود یک قسمتی از آن تخصیص داده شود بصحیه یا برای امر دیگری این ترتیب همان قاعده بوده است که تا بحال در این مملکت معمول بوده

ولی ما می خواهیم بعدها این رویه را باشد شقوق نقض کنیم زیرا این رویه آن ترتیب جمع خرج را که ما باید در جای خودش محفوظ نگذاریم ازین می برد و اسباب هزار نوع محظورات می شود

حالا اگر هم یکی دو مورد اتفاق افتاده است که سابقه واقع شده است هیچ مانع از این نیست که موقوفه بودجه را محفوظ بداریم و علاوه باین حس احساساتی که

از طرف دولت نسبت بجای گیری از امراض و امور صحتی می شود ممکن است یک مجلس پیدا کند

یک لایحه در اینباب تقدیم بشود باین که مخارجی را که در بودجه است و مجلس شورای ملی تصور می فرماید یک قسمت های زائدی است حذف کنیم و بر بودجه صحیه اضافه کنیم

ولی از نقطه نظر ترتیب بودجه که بعد ها ما باید حفظ کنیم است عا می کنیم این ترتیب را که در وضع هر مالیاتی یک قسمه را تخصیص بدیم برای یک امری خود داری فرمایند

رئیس - عقیده که بیون چیست؟ مخبر - بنده چون ایل و قریه سراغ ندارم که خارج از ناحیه ایالات و ولایات باشد از اینجهت نمی توانم قبول کنم

رئیس - ایلات و بلوکات و سایر توابع در ضمن ایالات و ولایات محسوب است مع ذلک رأی می گیریم به قابل توجه بودن پیش نهاد آقای آقا ضیاء آقایانیکه قابل توجهش قیام فرمایند

(عده کمی برخاستند) رئیس - قابل توجه نشد - چون حقیقتاً ایالات و ولایات شامل ایلات و بلوکات هم هست ذکرش لزومی ندارد پیشنهاد آقای (بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در تبصره مربوط بسمت صحت اصلاح ذیل بعمل آید: از عایدات خالص

رئیس - آقای انشار (اجازه)

افشار - در آن تبصره که خوانده شد معلوم نیست که نظر پیشنهاد کنندگان عایدات خالص است یا غیر خالص اگر عایدات غیر خالص باشد ممکن است یک تکس فاحش متوجه بودجه بشود

ولی پس از وضع مخارج که باشد مخارج آن را موضوع میکنند و از عایدات خالص سده باین مصرف میرسانند و ضرر زیادی هم بوجود وارد نمیشود

بنابر این بنده پیشنهاد کردم که عبارت از عایدات خالص اضافه شود

رئیس - در این پیشنهاد از کل عایدات مطلق است و اینجا پیشنهاد کرده اند که عبارت از عایدات خالص اضافه شود

مخبر - کمیسیون نمی تواند قبول کند

رئیس - رأی می گیریم بپیشنهاد آقای افشار آقایانی که قابل توجهش می دانند قیام فرمایند

(عده کمی برخاستند) رئیس - قابل توجه نشد - آقای قشقائی پیشنهاد شمام قرائت شود

قشقائی - بلی

(بشرح ذیل خوانده شد) در تبصره چهار پیشنهاد میکنم اضافه شود که: هر گاه ثلث از میزبانی اموال دارنده مواشی کسر پیدا بشود حق خواهد داشت که تقاضا نامه برای میزبانی بدهد و پس از تحقیق تخفیف داده شود

رئیس - آقای قشقائی (اجازه) قشقائی - بنده دیگر لازم نمی دانم توضیح بدهم چون می فرمایند باید در ماده ۱۷ پیشنهاد شود از اینجهت در آن موقع عرض میکنم

رئیس - پس مسترد میکنید قشقائی - بلی رئیس - چند فقره پیشنهاد اصلاح عبارتی است پیشنهاد آقای آقا شیخ جلال راجع به تبصره ۳ است (بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد: در تبصره ۳ سطر ۳ از هر یک از اینها بکراس (تبصره سوم خبر کمیسیون بشرح ذیل قرائت شد) مادبان و اسب و قاطر و الاغ یک رئیس - پیشنهاد آقای عدل هم در همین زمینه است دایر با اضافه کردن کلمه (بکراس)

(بعضیون آتی خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم در تبصره ۳ پس از لفظ (مادبان) لفظ (بکراس) و پس از لفظ (قاطر) لفظ (بکراس) علاوه شود

مخبر - کمیسیون هم نظرش همین بوده است که از هر یک از این حیوانات یک رأس معاف باشد

رئیس - یک نفر دیگر از آقایان هم در همین زمینه پیشنهاد کردند

مخبر - کمیسیون هم موافقت میکنند زیرا روحاً با این پیش نهاد موافق است

رئیس - تقریباً زمینه یکی است (خطاب با آقای عدل) با پیشنهاد آقای آقا شیخ جلال موافقت میکنید یا برای بگیریم؟

رئیس - پیشنهاد دیگری از آقای آقا میرزا شهاب رسیده است قرائت می شود

(بترتیب ذیل خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم در تبصره ۴ ماده ۷ عبارت (بطریق فوق) تبدیل به عبارت (به میزان فوق) شود

مخبر - قبول میکنم

رئیس - بسیار خوب - تقاضای تجزیه شده است پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب راجع بتجزیه است قرائت می شود

(بشرح آتی قرائت شد) بنده ماده هفتم را درخواست تجزیه می نمایم که بهر یک علی حده رأی گرفته شود

رئیس - پیشنهاد دیگری هم از طرف آقای انجاد رسیده است آنهم دائر بر این مطلب است (بترتیب ذیل خوانده شد) بنده نسبت برای گرفتن در ماده ۷ از تبصره آن تقاضای تجزیه میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای کازرونی (بشرح ذیل قرائت شد) بنده تقاضا میکنم که اصل ماده تبصره یک و تبصره ۲ و تبصره ۳ جداگانه رأی گرفته شود و راجع بپیشنهاد آقای طهرانی جداگانه رأی گرفته شود

آقا سید یعقوب - یک اصلاحی بنده در اصل ماده کرده بودم

رئیس - اصلاح راجع بچه بوده است؟

آقا سید یعقوب - در ماده ۷ فقط نوشته است شتر علاوه بر ۳ سال ولی بنده اضافه کرده ام قاطر و الاغ هم علاوه بر ۳ سال

رئیس - اگر ملاحظه بفرمایید زیرش یک علامتی دارد که اضافه کردن عبارت علاوه بر سه سال را تأمین میکند رأی می گیریم باصل ماده ۷ تا تبصره یک آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند) رئیس - تصویب شد - رأی می گیریم بتبصره یک

جمعی از نمایندگان - خوانده شود

(بشرح ذیل خوانده شد) مالیات فوق به حیواناتی تعلق خواهد گرفت که نواقل ماهیانه نمی دهند

رئیس - این قسمت از پیشنهاد قبول شده است (بقیه بشرح آتی قرائت شد) و بایر پرداخت تدریجی ماهانه آنها کمتر از میزان نواقل ماهانه باشد

عدل - بنده نسبت به تبصره ۱ پیشنهاد تجزیه میکنم

رئیس - تبصره ۱ تجزیه می شود بدو قسمت قسمت اول ناول جمله (و یا پرداخت تدریجی) رأی می گیریم باین قسمت از آقایان موافقت قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند) رئیس - تصویب شد - قسمت دوم از ابتداء جمله (و یا پرداخت تدریجی) الی آخره رأی می گیریم باین قسمت آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند

عدل - لفظ علاوه را پس از تبصره بگذارید

رئیس - حاله موقع رأی گرفتن نیست فقط اصلاح عبارتی را می شودند کرده است تبصره ۲ قرائت می شود

عدل - بنده تبصره ۲ و ۳ را پیشنهاد میکنم

مادرس - پیشنهاد تجزیه شده

رئیس - تبصره ۲ قبول شده است به عرض آقایان میرسد

(بشرح ذیل خوانده شد) عوامل زراعت از قبیل گاو و گاو میش کارو اسب و قاطر و الاغ که احتیاجات زراعتی را مرتفع سازد از تأدییه مالیات معاف است

عدل - بنده تبصره ۲ و ۳ را پیشنهاد کرده ام یکی شود

مادرس - پیشنهاد تجزیه شده

رئیس - تبصره ۲ قبول شده است به عرض آقایان میرسد (بشرح ذیل خوانده شد) عوامل زراعت از قبیل گاو و گاو میش کارو اسب و قاطر و الاغ که احتیاجات زراعتی را مرتفع سازد از تأدییه مالیات معاف است

رئیس - رأی می گیریم باین تبصره بطریقی که قرائت شد آقای مخبر هم قبول کرده اند و آقایانی که موافق هستند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) رئیس - تصویب شد - تبصره ۳

عدل - بنده پیشنهادی داده ام که لفظ علاوه اضافه شود

رئیس - در کجا؟

عدل - (در حال جلوس) عرض می شود در آن یکی

رئیس - اولاً بایستید بعد فرمایشتان را بفرمایند

عدل - بلی بنده پیشنهاد کرده ام عرض لفظ (تبصره ۳) نوشته شود

بلاوه مالکین حیوانات از پرداخت مالیات عده حیوانات ذیل معافند چرا این کار را کرده ام برای اینکه در بالا نوشته شده است کارو گاو میش تر

آنجا آن گاو و گاو میش را برای این ذکر کرده اند که معاف باشند آنوقت وقتی که موقع اخذ مالیات می شود فقط یک الاغ را معاف میکنند

و حال آنکه دولت میخواهد یک الاغ آنجا معاف باشد و یک الاغ اینجا و اینجا یک الاغ را معاف میکنند در صورتیکه آن یک الاغی هم که بار میکشد باید معاف باشد

اینست که بنده پیشنهاد کردم به جای لفظ تبصره ۳ کلمه (بلاوه) بگذارند

مخبر - اگر تبصره ۳ رضیه تبصره قبل قرار میدادیم حق با آقای عدل بود ولی این تبصره مستغلی است و موافق نظریشان هست و مفهوم آن معنی هم هست و این تغییر لازم نیست

رئیس - مسترد می فرمایید؟

عدل - خیر بنده پس نمیگیرم

رئیس - پس باید بعد رأی بگیریم چون اصلاح عبارتی است در وسط پیشه و در رأی بگذارید

رئیس - حاله موقع رأی گرفتن نیست فقط اصلاح عبارتی را می شودند کرده است تبصره ۲ قرائت می شود

عدل - بنده تبصره ۲ و ۳ را پیشنهاد میکنم

مادرس - پیشنهاد تجزیه شده



(بشرح ذیل قرائت شد)

تصویر ۳- مالکین حیوانات از پرداخت مالیات عده حیوانات ذیل معافند :

هر خانوار : شتر یک نفر ، بز و میش  
 رأس مادیان و اسب و قاطر و الاغ - از  
 هر یک از اینها یک رأس ، ماده گاو یا  
 گاو میش یک رأس .

رئیس - رأی می گیریم به تبصره ۳  
 آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند .  
 (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . تبصره ۴ پیش -  
 نهادی آقای بیات قرائت می شود .

(بترتیب ذیل خوانده شد)

ممیزی حیوانات نسبت بیک قریه یا  
 طایفه و عشیره بطور جمعی است و همه ساله  
 مالیات از دارندگان حیوانات بمیزان فوق  
 مأخوذ میشود .

رئیس - این اصل پیشنهاد آقای بیات  
 است .

پیشنهاد آقای طهرانی هم قرائت می-  
 شود .

(اینطور خوانده شد)

ولی دارندگان حیوانات مزبور می -  
 توانند همه ساله ممیزی جدید بخواهند مشروط  
 بر اینکه مخارج ممیزی جدید را به عهده  
 بگیرند .

رئیس - قبلاً تقاضای تجزیه شده است  
 هم نسبت باین قسمت و هم نسبت بپیشنهاد  
 آقای طهرانی .

اول رأی می گیریم باصل تبصره تا اول  
 جمله (ولی دارندگان) آقایانی که تصویب  
 میکنند قیام فرمایند .

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . رأی می گیریم  
 بقسمت دوم از اول (ولی) تا بآخر آقایان  
 موافقین قیام فرمایند .

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد . مطابق اصل تبصره  
 است . تبصره راجع باختصاص یک عشر بصحبه  
 ایالات و ولایات . تبصره پنجم می شود . یک  
 مرتبه دیگر قرائت می شود و رأی می-  
 گیریم .

(تبصره ۵ مجدداً بشرح سابق

خوانده شد)

رئیس - رأی می گیریم به تبصره ۵  
 آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند  
 (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . رأی می گیریم  
 به ماده ۷ که مشتمل بر ۵ تبصره است .  
 مجلس اصلاحی پیشنهاد کرده اند

رئیس - این اصلاح را حالا پیش-  
 نهاد کرده اند ؟ بسیار خوب خواند می-  
 شود .

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم لفظ (تبصره سه) برداشته  
 شده و بجای آن لفظ (بعلاوه) نوشته  
 شود .

عدل .

رئیس - عرض کردم این اصلاح عبارت

است . حالا رأی می گیریم بپیشنهاد اولیه  
 شان که بجای (تبصره سه) کلمه (بعلاوه) نوشته  
 شود . آقای مخبر قبول نمی کنند ؟

مخبر - خیر مفهومش همین است .  
 رئیس - باین پیشنهاد اصلاح نمی شود

رأی گرفت ولی در ترتیب عبارت می شود  
 قبول کرد که عبارت را پس و پیش بکنند یا  
 یک ماده دیگری بکنند ولی دیگر حالا وقت  
 نیست .

رأی می گیریم باصل ماده هفت که مشتمل  
 بر ۵ تبصره است . آقایانی که تصویب میکنند  
 قیام فرمایند .

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . آقایان موافقند  
 جلسه را ختم کنیم .

جمعی از نمایندگان - صحیح  
 است .

معاون وزارت مالیه - لایحه دو  
 دوازدهم بابت آذر ماه و دیماه تقدیم می-  
 شود .

رئیس - بکمیون بودجه قدیم ارجاع  
 می شود جلسه آتی روز ۵ شنبه سه ساعت و نیم  
 قبل از ظهر . دست ر هم بقیه دستور امروز  
 (مجلس یکساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی -

سید محمد تدین

منشی م شهاب نشی - علی خطیبی

جلسه ۲۲۷

صورت مشروح

مجلس نوزدهم

آذرماه ۱۳۰۴ مطابق ۲۳

جمادی الاولی ۱۳۳۴

مجلس دو ساعت و ربع قبل

از ظهر بر ریاست آقای تدین تشکیل

گردید

(صورت مجلس سه شنبه هفدهم

آذرماه را آقای آقامیرزا شهاب

قرائت نمودند)

رئیس - آقای حاج آقا رضا  
 رفیع .

(اجازه)

حاج آقا رضا رفیع - قبل از دستور  
 عرض دارم

رئیس - آقای امامی .

امامی - قبل از دستور عرض  
 دارم .

رئیس - آقای افشار

افشار - قبل از دستور عرض  
 دارم

رئیس - آقای دکتر امیرخان اعلم

دکتر امیرخان اعلم - بنده هم قبل از  
 دستور عرض دارم

رئیس - آقای سید یعقوب

آقای سید یعقوب - قبل از دستور .

رئیس - آقای یاسانی